

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۲۳ - سه‌شنبه ۹۱/۸/۶

در واقع محذوری که در مورد امر مولوی به اطاعت از خدا بیان کردیم (اطیعوا الله و...) در مورد امر به احتیاط (احتط) وجود ندارد؛ زیرا همان‌گونه که در پاسخ برهان اول مرحوم نائینی بیان کردیم، امر به احتیاط می‌تواند به واسطه‌ی ملاک دیگری علاوه بر ملاکی که عقل درک می‌کند باشد. بنابراین بیان دوم محقق نائینی ناتمام است. اگر گفته شود مراد مرحوم نائینی آن است که شارع نمی‌تواند به حذاء آن ملاکی که عقل درک می‌کند، حکم مولوی داشته باشد نه به ملاک دیگری، خواهیم گفت در این صورت همان بیان اول مرحوم نائینی یعنی لغویت، کافی خواهد بود و نیازی به بیان دوم نیست.

#### بررسی مسأله‌ی امر مولوی به احتیاط در مرحله‌ی اثبات

آن مقدار از ادله‌ی احتیاط که تا به حال بیان شد مانند اخبار وقوف و یا اخبار تثلیث و اخبار آمره به احتیاط، بر فرض اینکه ظهور اولی آنها ارشادی نباشد بیش از این بیان نمی‌کند که احتیاط کنید تا مبدا واقع از شما فوت شود، ولی با توجه به لغویت جعل چنین حکم مولوی باید بگوییم این اوامر ارشادی هستند. به تعبیر دیگر گاهی واضح و روشن است که شارع در صدد بیدار کردن عقل می‌باشد اما ممکن است گاهی این وضوح ابتداءً درک نشود اما با توجه به قرینه‌ی عقلیه‌ی لغویت باید قائل شد این اوامر ارشادی هستند؛ زیرا بیان این مطلب که «احتیاط کنید تا واقع از دست شما نرود» نکته‌ای اضافه بر درک عقلی ندارد.

اما اینکه در بعضی روایات ذکر شده است: «مَنْ تَرَكَ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ فَهُوَ لِمَا اسْتَبَانَ لَهُ أَتَرَكَ» در

مقام جعل حکم نمی‌باشد بلکه فلسفه و حکمتی که قهراً در امر به اجتناب از شبهات مترتب است بیان فرموده است، بنابراین روایت مذکور نمی‌تواند قرینه‌ی این معنا باشد که اوامر دارای ملاکی غیر از درک واقع می‌باشند.

روایات دیگری نیز که در مورد احتیاط وجود دارد بعضی از آنها مانند روایاتی است که تا به حال خوانده شده است و امکان دارد لسان بعضی از آنها به گونه‌ای باشد که بتواند مفید استحباب احتیاط باشد و هر چند فاقد سند معتبر باشند اما از باب اخبار «مَنْ بَلَغَ» و بنا بر اینکه این اخبار می‌تواند مستحب درست کند لامحاله باید به استحباب شرعی و مولوی احتیاط قائل شد، اما از آنجا که این مسأله اهمیت چندانی ندارد و نیازی به بررسی وسیع‌تری دارد به همین مقدار اکتفا می‌کنیم و بحث از اخبار مَنْ بَلَغَ نیز به زودی خواهد آمد **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**.

### احتیاط در تعبدیات

به هر حال رجحان احتیاط فی الجملة عقلاً یا شرعاً قابل مناقشه نیست و این احتیاط در توصیلات روشن است. مثلاً نمی‌دانیم بدهکار زید هستیم یا خیر، استصحاب عدم بدهکار بودن نسبت به زید جاری است اما احتیاط و پرداخت دین محتمل رجحان دارد و مبتلا به اشکالی نمی‌باشد. یا مثلاً شخصی نمی‌داند دست او نجس است یا خیر، می‌تواند احتیاطاً آن را دوباره با آب شستشو دهد و محذوری در انجام احتیاط نسبت به توصیلات وجود ندارد. اما در تعبدیات و اعمالی که محتاج قصد قربت است دو حالت وجود دارد:

۱- گاهی امر دائر بین وجوب و استحباب است؛ مثلاً نمی‌دانیم نماز جمعه بعد از زوال روز جمعه واجب است یا مستحب؛ یعنی اصل رجحان عمل مذکور متیقن است، در این صورت احتیاط مشکلی ندارد؛ زیرا می‌دانیم قطعاً محبوب است و می‌تواند قصد امر آن کرد و تنها چیزی که در این صورت مفقود است قصد وجه می‌باشد که فقدان آن هم مضر نیست چنانکه در مباحث علم اجمالی در مقام امتثال بیان کرده‌ایم.

۲- گاهی امر دائر بین وجوب و اباحه است؛ مثلاً فلان عمل یا واجب است یا اساساً امری ندارد. فرض کنید کسی شک می‌کند که آیا دعاء عند رؤیة الهلال واجب است یا به این عنوان اساساً هیچ‌گونه امری ندارد. در این حالت عمل به احتیاط گرفتار مشکل است بدین صورت که:

اگر مکلف در اتیان دعاء عند رؤیة الهلال، قصد امر کند مبتلا به تشریح می‌شود؛ زیرا تشریح یعنی

«ادخال ما لم يُعلم انه من الدين في الدين» و در نتیجه این عمل حرام خواهد بود و اگر مکلف قصد امر و قصد قربت در انجام این عمل نکند عبادت انجام نداده است؛ زیرا قوام عبادت به قصد امر و شبه آن است. بدین ترتیب احتیاط در عبادات، دارای مشکل و محذور است و به تعبیر دیگر احتیاط در عبادیات ممکن نیست؛ زیرا با شکّ در وجود امر به عمل، انجام آن عمل به قصد امر، ارتکاب یک عمل حرام است و احتیاط اتفاق نخواهد افتاد.

یک راه برون رفت از این مشکل همان است که بارها متذکر آن شده‌ایم و آن اینک: عبادت منحصراً با قصد امر محقق نمی‌شود بلکه همین مقدار که عملی با احتمال امر آورده شود اگر فی الواقع امر داشته باشد در عبادی بودن آن عمل کفایت می‌کند. به تعبیر دیگر اگر آن عمل رجاء آورده شود کافی خواهد بود، در نتیجه مکلف با این کار هم احتیاط کرده است و هم مبتلای به تشریح نشده است؛ زیرا تشریح هنگامی است که غیر معلوم را به شارع نسبت دهیم ولی در اتیان یک عمل رجاء چنین نسبتی به شارع داده نشده است و قطعاً «ادخال ما لم يعلم من الدين في الدين» نخواهد بود. از سویی این عمل عبادی خواهد بود به دلیل آنکه حاکم در عبادی بودن یک عمل یا عقل است یا شرع:

از جهت عقل قصد امر احتمالی برای تقرّب به مولا کمتر از قصد امر جزمی نیست اگر بیشتر نباشد. در واقع وقتی عقل به قضاوت می‌نشیند و می‌بیند یک عبد از احتمال امر مولا منبعث می‌شود مسلماً عقل این عبد را از کسی که تنها با امر جزمی مولا منبعث می‌شود برتر می‌داند و عمل او را نیز با ارزش‌تر می‌بیند؛ زیرا عقل می‌گوید با آنکه مولا اجازه‌ی ترک عمل به او داده است اما از آنجا که عبد احتمال می‌دهد مولا این عمل را دوست دارد آن را انجام می‌دهد و لذا این عمل عبد هم حُسن فاعلی دارد و اگر مطابق واقع باشد دارای اخلاص و مقربیت بالاتری است.

همچنین از نظر شرعی در میان ادله چیزی نیافتیم که باید جهت عبادیت عمل، قصد امر جزمی و قطعی باشد بلکه شارع این جهت را موکول به درک عقل و روش عقلا کرده است و در عقل چنین درکی وجود ندارد و روش عقلا نیز بیش از درک عقل نیست و اشاره شد روایت و دلیل خاصی هم در مورد وجود ندارد. لامحاله احتیاط در عبادیات بدون محذور امکان دارد.

### راه حلّ برخی در دفع محذور احتیاط در تعبّدیات

بعضی معتقدند حتی اگر ملتزم شویم که در عبادت قصد امر جزمی لازم است می‌توان امر جزمی و قطعی داشت، بدین صورت که احتیاط از سه حال خارج نیست: یا تمام اوامر متعلق به آن ارشادی است یا

اینکه اوامر متعلق به آن مولوی است و یا بعضی اوامر احتیاط مولوی و بعضی از آنها ارشادی است. در تمام این صور اثبات خواهیم کرد که به هر حال امر شرعی به احتیاط وجود دارد: در موردی که همه‌ی اوامر را مولوی می‌دانیم روشن است که امر به احتیاط وجود دارد. در جایی که تمام اوامر ارشادی باشد یا بخشی از اوامر ارشادی باشد باز می‌توانیم حکم به وجود امر مولوی استحبابی به احتیاط داشته باشیم، یا از باب قاعده‌ی ملازمه (کَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ) و اینکه چون عقل درک کرده است که احتیاط رجحان دارد پس شارع امر به احتیاط دارد یا از طریق برهان «ان» بدین صورت که چون احتیاط ثواب دارد کشف می‌کنیم احتیاط دارای امر است.

بنابراین امر شرعی به احتیاط همیشه وجود دارد لذا هر چند مکلف در عبادیات شک نسبت به امر به خود عمل دارد اما فرض آن است که امر به احتیاط شرعاً ثابت است پس مکلف می‌تواند در مقام احتیاط، قصد امر به احتیاط کند و این امر قطعی است در نتیجه تشریح نخواهد بود. نظیر اینکه کسی نذر می‌کند نماز شب به جا آورد و به جای قصد امر به نماز شب، عمداً یا غفلتاً قصد امر «ف بندرک» کند، در این صورت نماز شب او صحیح است با اینکه قصد امر به نماز شب نکرده است. در ما نحن فیه نیز قصد امر به احتیاط می‌کند و لامحاله عمل او عبادی و عاری از تشریح خواهد بود.

### نقد و بررسی راه حل برخی در رفع محذور احتیاط در تعبّدیات

همان‌گونه که محقق نائینی فرمودند، وقتی عقل درک می‌کند احتیاط حسن است اگر خواهیم از این درک عقلی به حکم شرعی دست یابیم دچار محذور لغویت خواهیم شد؛ چون اثری اضافی بر امر شارع مترتب نخواهد شد. بنابراین نمی‌توان از درک عقل کشف امر شرعی کرد.

اما اینکه فرمودند از ترتب ثواب بر احتیاط به صورت «ان» کشف امر شارع می‌شود نیز صحیح نیست؛ زیرا به چه دلیل می‌توان گفت احتیاط به عنوان احتیاط، مقتضی است؟!

در بحث تجرّی و انقیاد بیان کردیم انقیاد نیز مستلزم ثواب برای منقاد نیست با اینکه در انقیاد، مکلف به صورت خطائی یقین به امر مولا دارد و اگر خداوند ثوابی عطا کند از باب تفضّل است نه استحقاق، ما نحن فیه نیز وضعیتی بهتر از انقیاد ندارد؛ زیرا مکلف تنها احتمال امر می‌دهد و این احتیاط بما آنه احتیاط ثواب نمی‌آورد. آری اگر این احتیاط مطابق واقع باشد موجب استحقاق ثواب بر خود عمل نه عنوان احتیاط خواهد بود.

در نتیجه اگر اوامر ارشادی باشد نمی‌توان کشف امر شرعی مولوی کرد، بلکه حتی اگر امر به احتیاط مولوی باشد مولویِ طریقی خواهد بود؛ یعنی طریق درک واقع است و التزام به اینکه این عنوان بما هو ثواب دارد مشکل است و بلکه ثواب مربوط به واقع است.

مقرر: سید حامد طاهری